



به بهانه سالگرد شهادت حسن شفیع زاده تجسم نبوغ و ابتکار

هشتم اردیبهشت ماه سالروز شهادت سردار حسن شفیع زاده، فرمانده توپخانه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی...

هشتم اردیبهشت ماه سالروز شهادت سردار حسن شفیع زاده، فرمانده توپخانه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس است. این فرمانده با برخورداری از قدرت ابتکار، خلاقیت و آینده نگری، همیشه طرح های دراز مدت که مبتنی بر واقع بینی در کارها و برنامه ها بود ارائه می داد، ضمن آنکه بر مسئله آموزش نیروهای نیز تأکید فراوان داشت.

حسن شفیع زاده مرداد سال ۱۳۳۶ در تبریز متولد شد. پدر و مادر او از مقلدان امام(ره) بودند به همین واسطه حسن نیز با ایشان آشنا شد. سادگی، بی آلایشی و گذشت او در سنین کودکی زبان زد همه بود. در سن ۱۲ سالگی از نعمت پدر محروم شد. چون فرزند ارشد خانواده بود با آن روحیات و مردانگی اش عملاً غمخوار مادر فداکار و دلسوز خود شد. با جدیت تمام و احساس مسئولیت، بیشتر از گذشته هم درس می خواند و هم به مادرش در اداره امور منزل کمک می کرد و از مساعدت به خواهر و برادرانش نیز دریغ نداشت. ضمن اینکه به ورزش، خصوصاً وزنه برداری علاقه مند بود، در دوران تحصیل، دانش آموزی باوقار، محبوب، مؤدب و کوشا بود و همواره سعی می کرد تکالیف دینی خود را انجام دهد.

حسن پس از اخذ دیپلم به سربازی رفت و هم زمان با اوج گیری حرکت توفنده انقلاب اسلامی در سایه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) با روحانیون معظم در تبعید، همچون شهید «آیت الله مدنی» و شهید «آیت الله دستغیب» در تماس بود و در داخل پادگان، فعالیت های بسیاری در راستای راهنمایی نظامیان و خنثی کردن تبلیغات حکومت نظامی انجام می داد و در همان حال به پخش پیام ها و اعلامیه های رهبر عظیم الشأن انقلاب در داخل و خارج پادگان نیز می پرداخت. روزی که مأموران رژیم، به دستور فرمانده حکومت نظامی، در تبریز قصد هجوم به منزل شهید آیت الله مدنی(ره)، برای دستگیری ایشان داشتند، او به همراه دوستانش نقشه مقابله با مزدوران رژیم را در مراسم عزاداری عاشورای حسینی طراحی کرده بود، که قبل از هر گونه اقدام، ضد اطلاعات از موضوع با خبر شده و آن ها را جهت ادامه خدمت سربازی به مرند تبعید می کند.

ایشان پس از چندی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر ترک پادگان ها، خدمت سربازی را رها کرد و به سیل خروشان مبارزان امت اسلامی پیوست. او با شور وصف ناپذیری در روزهای سرنوشت ساز ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تلاش می کرد و برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نبود. هنگامی که در اوج پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی درب پادگان ها بر روی مردم باز شد به همراه تعدادی از جوانان و دانشجویان حزب الهی تبریز برای جلوگیری از افتادن سلاح های بیت المال به دست ضد انقلاب، بخشی از سلاح ها را جمع آوری کردند و گروه مسلحی را جهت دستگیری ضدانقلاب و ساواکی ها تشکیل داد. شفیع زاده بعدها به دنبال تشکیل سپاه، به همراه دیگر برادران، اولین هسته های مسلح سپاه را پی ریزی کرد و در سمت مسئول عملیات سپاه تبریز در سرکوبی خوانین و اشراک آذربایجان و حزب منحرف «خلق مسلمان» نقش فعال داشت. هنگامی که به همراه «شهید باکری» در سپاه ارومیه انجام وظیفه می کرد به عنوان مسئول عملیات برای ایجاد امنیت آن منطقه، در درگیری های متعدد برای سرکوبی گروه های فاسد تلاش شبانه روزی کرد و توانست در تشکیلات حزب منحل دموکرات نفوذ کرده و باعث متلاشی شدن آن و دستگیری و اعدام تعداد بسیاری از کادرهای آنان شود.

بهترین و پرتیرترین لحظات حضور در سپاه تبریز، روزهایی بود که در بیت شهید آیت الله مدنی(ره) به عنوان مسئول تیم حفاظت ایشان انجام وظیفه می کرد. در جوار آن عالم عارف بود که غنچه های خلوص، صداقت، ایثار و زهد شهید شفیع زاده گل کرد و بعدها در جبهه های نبرد نور علیه ظلمت میوه داد. با آغاز جنگ تحمیلی و محاصره آبادان، با یک دسته خمپاره انداز که تحت مسئولیت شهید باکری اداره می شد به جبهه های جنوب شتافت. حسن به همراه تعدادی دیگر از رزمندگان برای حضور در جبهه آبادان با تحمل مشقات چندین روزه از طریق ماهشهر و به وسیله لنج از راه خورموسی خود را به این شهر رساند و در ایستگاه هفت مستقر شد. بعدها با فرمان حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان، نقش تاریخی خود را در شکستن محاصره آبادان و دفع متجاوزان و اشغالگران بعثی ایفا کرد.

شهید شفیع زاده پس از عملیات «طریق القدس» به عنوان رئیس ستاد تیپ کربلا که تازه تشکیل شده بود انجام وظیفه کرد و در شکل گیری، انسجام و فرماندهی آن نقش اساسی داشت. در عملیات پیروزمندانه «فتح المبین» معاون تیپ المهدی(عج) بود و خاطره رشادت ها و جانفشانی های او در اذهان مسئولان جنگ و همزمانش هرگز از یاد نمی رود. پس از این عملیات، با اندیشه بلندی که داشت و تجربیاتی که کسب کرده بود، متوجه شد با گسترش سازمان رزمی مردمی، برای انجام عملیات بزرگ، نیاز به تشکیلات پشتیبانی آتشی به نام توپخانه است. با هم فکری تنی چند از فرماندهان، ضمن پی ریزی و سازماندهی اولین

آتشبارهای توپخانه، مسئولیت هماهنگی پشتیبانی آتش در قرارگاه فتح در عملیات «الی بیت المقدس» را به عهده گرفت و به خوبی از عهده این وظیفه بزرگ برآمد. او با برخورداری از قدرت ابتکار، خلاقیت و آینده نگری، همیشه طرح های دراز مدت که مبتنی بر واقع بینی در کارها و برنامه ها بود ارائه می داد، ضمن آنکه بر مسئله آموزش نیروهای نیز تأکید فراوان داشت.

بعدها با تلاش بی وقفه و شبانه روزی خود قبضه های غنیمتی را در قالب توپخانه های لشکری و گردان های مستقل توپخانه به سرعت سازماندهی کرد و در «عملیات رمضان»، اکثریت قریب به اتفاق توپ ها را علیه دشمن بعثی به کار برد و در ادامه، با به دست آوردن توپ های غنیمتی بیشتر، گروه های توپخانه را به استعداد چندین گردان شکل داد. این گروه ها بازوهای قوی برای فرماندهی قوای رزمی و پشتیبانی محکم برای رزمندگان بودند. در نبردهای خیبر، والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۴، کربلای ۵ که سپاه پاسداران به لحاظ عملیاتی مسئولیت مستقلى داشت، پشتیبانی آتش کل منطقه عملیات، با رهبری و هدایت ایشان انجام گرفت. اوج هنرنمایی و شکوفایی خلاقیت او در عملیات والفجر ۸ تجلی یافت. آتش پر حجم و متمرکزی که با برتری کامل، علیه دشمن اجرا کرد، به اعتراف فرماندهان اسیر عراقی، در طول جنگ کسی به خود ندیده بود؛ زیرا قسمت اعظم یگان های دشمن، قبل از رسیدن به خط مقدم و درگیری با رزمندگان اسلام، منهدم می شد.

شفیع زاده فردی صبور، متواضع، گشاده رو و بشاش بود. در تمام امور، ایثار و گذشت بسیاری از خود نشان می داد و در هر کاری که پیش می آمد ابتدا خود پیش قدم می شد. زمان عملیات و در زمانی که آتش دشمن در خط مقدم شدت پیدا می کرد، در خط اول حضور می یافت و آخرین وضعیت منطقه را برای برنامه ریزی صحیح و هدایت دقیق آتش، بررسی می کرد. در تصمیم گیری ها از نظرات دیگران سود می جست و در برخوردها و قضاوت عدالت را رعایت می کرد. در روابط اجتماعی، با دیگران رفتاری پخته و پسندیده داشت و در هر محیطی که حضور پیدا می کرد همگان را تحت تأثیر قرار می داد. این فرمانده در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا بود. به مستحبات اهمیت می داد. اهل نماز شب بود. کم سخن می گفت و با کردارش دیگران را به عمل صالح دعوت می کرد. از تشریفات و تجملات به شدت دوری می جست و سادگی و بی آلایشی را مشی خود قرار داده بود. در ایام پیروزی انقلاب اسلامی شب و روز نمی شناخت و بعد از آن، در طول جنگ تحمیلی، مخلصانه انجام وظیفه می کرد و هرگز راحت در بستر نخفت. سرانجام این فرمانده بی ادعا روز هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۶ در منطقه عملیاتی «کربلای ۱» در شمال غرب (منطقه عمومی ماووت) درحالی که عازم خط مقدم جبهه بود، خودروی وی مورد اصابت گلوله توپ دشمن قرا گرفت و به شهادت رسید.